

## فهرست

- ۲ فصل اول: کلیات
- ۹ فصل دوم: روش‌شناسی
- ۱۱ فصل سوم: تحرک و کار
- ۱۳ فصل چهارم: واکنش‌های هیجانی
- ۱۵ فصل پنجم: فرآیندهای حسی و روش‌های سایکوفیزیک
- ۲۶ فصل ششم: ادراک
- ۳۰ فصل هفتم: یادگیری و حافظه
- ۳۹ فصل هشتم: شخصیت
- ۴۳ فصل نهم: روان‌شناسی اجتماعی

# فصل ۱

کلیات

## تعریف روان‌شناسی تجربی

روان‌شناسی تجربی یعنی کاربرد روش آزمایشی در روان‌شناسی.

روش آزمایشی از چهار مرحله تشکیل شده است:

مشاهده

ارائه فرضیه

آزمایش

تنظیم و طبقه‌بندی نتایج آزمایش

مشاهده: هدف از آن توصیف پدیده‌ها و شناسایی متغیرهای مهم است. مشاهده، درک وقایع و روابط آن‌ها به کمک حواس یا ابزارهایی که بر دقت و توانایی حواس می‌افزاید، است. شرط بررسی یک رویداد یا پدیده، به صورت علمی آن است که قابل مشاهده باشد.

ارائه فرضیه: فرضیه رابطه‌ای است که بین متغیرها فرض می‌شود و پاسخی است موقتی که محقق به مسئله خود می‌دهد که بعداً باید آن را مورد آزمایش قرار دهد.

فرضیه از روی مشاهدات و یا از روی یک نظریه موجود استخراج می‌شود.

آزمایش موقعیتی فراهم می‌کند تا آزمایشگر بتواند تحت یک شرایط کنترل‌شده، نتایج دستکاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته را بررسی کند. آزمایش، درست یا نادرست بودن فرضیه را مشخص می‌کند و اگر فرضیه در آزمایش تأیید شود، اعتبار پیدا می‌کند.

تنظیم و طبقه‌بندی نتایج آزمایش، با فنون آماری انجام می‌شود. دشواری‌های روان‌شناسی آزمایشی، از نوع دشواری‌های اخلاقی است اصولاً، که تا اندازه‌ای توسط روان‌شناسی حیوانی حل شده است.

### تاریخچه

فخر معمولاً بنیان‌گذار روان‌شناسی تجربی به حساب می‌آید. کتاب اصلی وی، اصول سایکوفیزیک می‌باشد. فخر جزء فلاسفه بود، اما وقتی خواست بین شدت تحریک و شدت احساس، قوانینی پیدا کند، جزء تجربه‌گرایان شد.

هلم هولتز، به پیشرفت روان‌شناسی تجربی کمک کرده است و اولین بار نظریه رنگ‌ها را مطرح نموده است.

تحقیقات هلم هولتز در زمینه سرعت تکانش عصبی، شنیدن و دیدن، در آزمایشی شدن روان‌شناسی اهمیت بالایی دارد.

وونت، اولین روان‌شناس تجربی است که اولین آزمایشگاه روان‌شناسی در لایپزیک آلمان را بنا نمود.

نیمه اول قرن بیستم، دو جریان فکری، روان‌شناسی تجربی را تحت تأثیر قرار داد:

نظریه گشتالت

رفتارگرایی

نظریه گشتالت: در اثر تلاش‌های ماکس ورتهایمر، کافکا و کهلر رشد یافت.

روان‌شناسی گشتالت، ساخت‌های از پیش تعیین‌شده برای انسان فرض می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را به اجزای کوچک‌تر تقسیم کرد. روان‌شناسان گشتالتی معتقدند هر رفتاری در یک محیط معین به وقوع می‌پیوندد، پس لازم است که آزمودنی و ویژگی‌های محیط را در نظر گرفت.

نظریه گشتالت از این جهت حائز اهمیت است که خطر

تجزیه روان به عناصر کوچک را خاطر نشان می‌کند و بر اهمیت محیط تأکید می‌ورزد.

**رفتارگرایی:** به دنبال نظرات واتسون به وجود آمد و طبق آن، مطالعات روان باید بر اساس توصیف رفتارهای قابل مشاهده انجام گیرد، نه بر اساس محتوای آگاهی. رفتارگرایان معتقدند که انسان به تدریج و به کمک یادگیری، ساخت‌هایی پیدا می‌کند. روان‌شناسی سلوک پیرزانه در واقع معادل روان‌شناسی رفتارگرایی واتسون بود. روان‌شناسی رفتارگرایی به دنبال مطالعات پاولف درباره بازتاب‌های شرطی به سرعت گسترش یافت.

روان‌شناسی حیوانی آزمایشگاهی بعد از رفتارگرایی به وجود آمد و سعی داشت قوانینی پیدا کند که پاسخ‌های آزمودنی را در ارتباط با محیط و محرک‌های محیطی تبیین می‌کنند (قوانین شرطی شدن).

رفتارگرایی، روان‌شناسان را وادار کرد که به تحلیل عینی پدیده‌ها پردازند. دو مکتب رفتارگرایی و گشتالتی، در واقع دو مکتب متضاد هستند که مکتب گشتالتی از

ساخت‌های فرضی شروع می‌کند، بدون آن‌که ریشه آن‌ها را تعیین کند، ولی رفتارگرایی یک ساخت تدریجی از ساخت‌های اکتسابی را شرح می‌دهد. رفتار روان‌شناختی، از برخورد دو جریان فکری گشتالت و رفتارگرایی تشکیل شده که بر پایه عملکرد ساخت‌های عصبی در برخورد با محیط، استوار است. این جریان فکری، هم اطلاعات فیزیولوژی عصبی و هم اطلاعات روان‌شناسی اجتماعی را در نظر می‌گیرد. هانری والون فرانسوی و ژان پیازه سوئیسی، مشهورترین افرادی هستند که در این زمینه کار کرده‌اند. مفهوم روان‌شناسی براساس ژنتیک، ترکیبی است که هم اطلاعات فیزیولوژی عصبی و هم روان‌شناسی اجتماعی را در نظر می‌گیرد.

### **نقد روان‌شناسی تجربی**

شرایط کاربرد روش آزمایشی عبارت است از:

پدیده قابل مشاهده باشد.

رفتار قابل تکرار باشد. (این اجبارها موجب محدودیت

حوزه عمل روان‌شناسی تجربی می‌شود.) پل فرس انتقاد به روان‌شناسی تجربی را به سه گروه خلاصه کرد: روان‌شناسی تجربی جزئی را فدای کلی می‌کند. (به دنبال کشف قوانین کلی است و تفاوت‌های فردی را در نظر نمی‌گیرد.)

روان‌شناسی تجربی کل را فدای جزء می‌کند (انسان را به عنوان یک کل در نظر نمی‌گیرد بلکه آن را به اجزا تقسیم کرده و هر جزء را جداگانه بررسی می‌کند.) روان‌شناسی تجربی ذهنیت را فدای عینیت می‌کند. (فقط چیزهای قابل مشاهده را بررسی می‌کند.)



## فصل ۲

روش‌شناسی